



دانشگاه گوارزی و منابع طبیعی گنجا

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

نقدی بر ساختار صندوق‌های اعتبارات خرد در خوداشتغالی زنان روستایی

کیومرث زرافشانی^۱، فرحناز رستمی^۲، *مژگان خوش‌مرام^۳ و نعمت‌الله شیری^۳

^۱دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، آستادیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، ^۲دانشجوی دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۸

چکیده

توسعه ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی برای توانمندسازی و خوداشتغالی زنان روستایی از اولویت برنامه‌های توسعه‌ای است که به‌منظور تحقق این مهم، دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی اقدام به اجرای پروژه‌هایی همچون طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی نموده است. اجرای این طرح که بیش از یک دهه است در کشور آغاز گردیده، علی‌رغم تنگناهای موجود از موفقیت‌های چشمگیری برخوردار بوده است. صندوق‌ها اگرچه تشکل مؤثری از زنان را به‌وجود آورده، ولی به‌دلیل عدم ثبت قانونی قادر به ایجاد ارتباط با منابع رسمی تأمین مالی همچون بانک‌ها نیستند و از مزایای طرح‌ها و پروژه‌های حمایتی در مورد زنان، بی‌بهره مانده‌اند. از طرفی باتوجه به تجربیات گذشته، ثبت قانونی این صندوق‌ها در قالب شرکت‌های تعاونی و یا سهامی به‌دلیل ضعف بنیه مالی و اعمال قوانین دست‌وپاگیر منجر به تحمیل هزینه‌های اضافی برآنان و دور شدن از اهداف خود که همانا خوداتکائی و خودباوری است، می‌شود. بنابراین، جهت حل مشکل موجود و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و تقویت این صندوق‌ها و در نهایت پایداری آن‌ها بایستی مکانیسمی طراحی گردد که ضمن حفظ ویژگی‌های عمده صندوق‌ها همچون غیررسمی و پس‌انداز محور بودن، مشارکت جمعی در تصمیم‌گیری‌ها و ... قابلیت ارتباط آنان با منابع مالی رسمی فراهم گردد. لذا در این راستا، پیشنهاد تجمیع صندوق‌های اعتبارات خرد و تشکیل صندوق زنان در سطح شهرستان در چارچوب قوانین و مقررات صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات خرد، زنان روستایی، خوداشتغالی

*مسئول مکاتبه: mkhoshmaram3@gmail.com

مقدمه

اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در پیشبرد کشورها و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه بر کسی پوشیده نیست. به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر پژوهش، این مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. در این راستا، دستیابی به توسعه واقعی بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان، امری غیرممکن خواهد بود. با این وجود، آمار و ارقام نشان می‌دهد که هنوز در کشور ما، به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه زنان به‌خصوص زنان روستایی در جهت توسعه برقرار نشده است (رضایی، ۲۰۰۶). به گونه‌ای که بررسی‌های انجام شده در چند دهه گذشته حاکی از آن است که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسئله به دلیل عدم برخورداری زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر است. از آنجایی که موانع و محدودیت‌های فراوانی بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان وجود دارد، لذا هرگونه تلاشی برای از بین بردن فقر در میان آنان با مشکلات عدیده‌ای مواجه است (خداوردی‌لو و بریمانی، ۲۰۰۹). بنابراین، امروزه حمایت از زنان به‌عنوان یک مساله اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسط جامعه جهانی پذیرفته شده است و تقریباً تمام کشورها، راهکارهایی را در این خصوص به‌کار گرفته‌اند. یکی از این راهکارها پرداخت تسهیلات مالی خرد به زنان فقیر روستایی است که نخستین بار در کشور بنگلادش با تأسیس گرامین بانک توسط محمد یونس معرفی گردید (ماجورانو، ۲۰۰۷).

در ایران نیز دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۷۹ تلاش‌هایی را برای ایجاد صندوق اعتبارات خرد در مناطق روستایی با هدف طراحی یک الگوی بومی از اعتبارات خرد که منطبق با شرایط کشور باشد، آغاز نموده است. هدف اصلی این صندوق‌ها، توسعه منابع انسانی و تشکیل نهادهای اجتماعی رسمی برای زنان با هدف ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع روستایی با محوریت اعتبار و پس‌انداز بود (دفتر امور زنان روستایی، ۲۰۱۰). در ابتدای امر دفتر امور زنان روستایی مبلغی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون ریال به‌عنوان کمک سرمایه در اختیار هر صندوق قرار داد. تعداد اعضای هر صندوق از ۲۰ تا ۶۰ نفر متفاوت بوده و هر صندوق مستقل از دیگر صندوق‌ها عمل می‌کند. پس انداز به‌عنوان محور اصلی فعالیت مالی این صندوق‌ها محسوب می‌گردد و هر یک از اعضا اجباراً باید مبلغی یکسان را هر ماه در صندوق مشترک پس‌انداز نمایند. از مجموع انباشت این پس‌اندازها و کمک سرمایه دفتر امور زنان، به اعضاء وام اعطا می‌شود. پرداخت وام‌ها عمدتاً برای

فعالیت‌های تولیدی و اشتغالزا است، البته پرداخت وام‌های معیشتی نیز در این صندوق‌ها به فراموشی سپرده نمی‌شود. مبلغ وام‌های اعطائی در هر صندوق بسته به میزان سرمایه آن متفاوت است. اقساط وام معمولاً به شکل ماهانه و در طی ۱۰ تا ۱۲ ماه بازپرداخت می‌شود و نرخ سود وام‌ها نیز در هر یک از صندوق‌ها متغیر و بین ۴ تا ۱۲ درصد می‌باشد.

پرسنل میدانی برنامه اعتبارات خرد را کارکنان دفتر ترویج با مشارکت مردم در سطح شهرستان تشکیل می‌دهند که بر فعالیت صندوق‌ها نظارت داشته و دوره‌های آموزشی موردنیاز را برگزار می‌کنند. با وجود این باید توجه داشت که مسئول اصلی تشکیل‌دهنده این صندوق‌ها تسهیل‌گران روستایی هستند که در همان روستا زندگی می‌کنند و دوره‌های آموزشی لازم جهت تشکیل صندوق‌ها را گذرانده‌اند؛ به عبارت دیگر، اصل تقاضا محوری در این صندوق‌ها مورد توجه است و افراد داوطلب و علاقه‌مند خود به ایجاد صندوق اقدام می‌نمایند (مافی، ۲۰۰۶).

فرآیند تشکیل صندوق اعتبارات خرد، از ابتدا با رویکرد جلب مشارکت زنان در امر برنامه‌ریزی و توانمندسازی آنان همراه بوده است. بنابراین، از منظر برنامه‌ریزی توسعه، صندوق تنها یک منبع مالی نیست بلکه یک سازه اجتماعی است و انتظار می‌رود کارکردهای اجتماعی نیز داشته باشد. مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره در زمینه حسابداری مطالبی فرا می‌گیرند تا بتوانند به‌طور مستقل صندوق را اداره کنند. سایر اعضا نیز علاوه بر آموزش‌های تخصصی متناسب با منطقه و شرایط طبیعی آن، در زمینه‌های عمومی نیز به‌منظور افزایش مهارت‌های زندگی آموزش می‌بینند. بنابراین عضویت در صندوق در افزایش دانش و مهارت‌های اقتصادی-اجتماعی نیز مؤثر است. در این صندوق‌ها با بهره‌گیری از فرهنگ هم‌پاری و کمک به‌هم نوع که در روستاهای ما وجود دارد و نهادینه کردن فرهنگ پس‌انداز و به‌کارگیری آن در فعالیت‌های اقتصادی، زمینه‌های مساعدتری برای انجام فعالیت‌های مشارکتی فراهم شده است. ضمانت زنجیره‌ای در بین زنان روستایی، فرصتی است برای افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد متقابل و تحقق شعار «یکی برای همه، همه برای یکی». نکته قابل توجه آن‌که نرخ بازپرداخت در این صندوق‌ها صددرد است و هیچ‌یک از صندوق‌ها با مشکل عدم بازپرداخت اقساط اعضایشان مواجه نیستند. اگرچه به‌طور معمول فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی زنان قابل تفکیک نیست، ولی درگیر شدن در یک فعالیت مستقل اقتصادی با ساز و کارهای رسمی و تعریف شده موجب افزایش اعتماد به نفس در اعضا می‌شود و این باور را در آن‌ها تقویت می‌کند که ریسک‌پذیر باشند و از ورود به فعالیت‌های جدید نهراسند. لذا از مجموع آن‌چه درخصوص

صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی گفته شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که این صندوق‌ها در کشور توانسته‌اند به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند که در ادامه مهم‌ترین نقاط قوت اعتبارات خرد زنان روستایی را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

تحلیل نقاط قوت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی: اگرچه تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد زیر نظر سازمان جهاد کشاورزی، مدیریت هماهنگی ترویج دفتر امور زنان روستایی انجام شد، لیکن رشد، بلوغ و مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌ها عملاً نقش ارگان دولتی را کم رنگ نموده و لذا منجر به ایجاد یک سازمان مردم نهاد شده که توسط خود مردم مدیریت می‌شود. این صندوق‌ها پس از گذشت چند سال از فعالیت خود نه تنها توانسته‌اند با اعطای اعتبارات تولیدی و مصرفی به اعضا و تجهیز پس‌اندازهای آن‌ها اقدامات مؤثری را در راستای اعتباررسانی به اقشار کم‌درآمد زنان روستایی انجام دهند، بلکه همچنین با ارائه آموزش‌های عمومی و تخصصی در ارتقاء سطح آگاهی‌های اعضای خود تلاش نموده و اکثر نیازهای آموزشی آنان را مرتفع نموده‌اند و لذا زمینه را برای فعالیت‌های کارآفرینانه به وجود آورده‌اند. در واقع این صندوق‌ها با اعطای اعتبارات و ارائه آموزش‌های لازم، زمینه اشتغال بیش از دو سوم اعضای خود را فراهم ساخته‌اند و از مهاجرت‌های روزانه اعضا به روستاها و مناطق اطراف در راستای جستجوی کار و تأمین معاش تا حدود زیادی کاسته‌اند. همچنین با برگزاری جلسات هفتگی و یا ماهانه با حضور کلیه اعضا، نظم و انضباط و مسئولیت‌پذیری را در اعضا، ایجاد و زمینه را برای مشارکت فعال آن‌ها در تصمیم‌گیری گروهی فراهم نموده‌اند (جوانمردی، ۲۰۱۰). نظر به این‌که کلیه اعضای این صندوق‌ها را زنان روستایی تشکیل می‌دهند، می‌توان به این مهم دست یافت که وجود این صندوق‌ها در سطح روستا موجب مشارکت بالای زنان روستایی در فعالیت‌های مالی و غیرمالی شده است. در واقع این امر حاکی از آن است که این صندوق‌ها عملاً از جایگاه قابل قبولی در نزد روستاییان برخوردار شده‌اند. نکته قابل توجه دیگر آن‌که، ساختار صندوق‌ها به گونه‌ای است که زنان روستایی را به فعالیت و کسب درآمد علاقمند نموده و انگیزه آنان را برای پس‌انداز، آن هم به صورت گروهی تقویت نموده است (همان). در نهایت، انجام فعالیت‌های تولیدی و درآمدزا توسط زنان عملاً باعث افزایش منابع درآمدی خانوار روستایی گردیده و وابستگی زنان به درآمد همسران خود را کاهش داده است. این امر به صورت غیرمستقیم نیز باعث افزایش منابع مالی مردان و سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه مربوط به فعالیت آن‌ها که عمده‌تاً کشاورزی می‌باشد، گردیده است. دلیل این امر نیز آن است که در برخی موارد زنان روستایی، وام‌های دریافتی را در اختیار همسران خود

جهت خرید نهاده‌های کشاورزی قرار داده که این امر عملاً به سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی منجر گردیده است (فقیری، ۲۰۱۱). لذا می‌توان گفت که دسترسی زنان به این اعتبارات، می‌تواند بستر مناسبی را برای توسعه بخش کشاورزی فراهم نماید که این امر نیز به نوبه خود توسعه مناطق روستایی را به دنبال خواهد داشت. علی‌رغم نقاط قوت بسیاری که برای صندوق‌های اعتبارات خرد برشمرده شد، مشکلات و چالش‌هایی نیز در ساختار و نحوه مدیریت آن‌ها وجود دارد که به دلیل موفقیت‌های چشمگیر این صندوق‌ها در کشور، تاکنون به‌طور جدی مورد بررسی قرار نگرفته است. اما در سال‌های اخیر برخی از صاحب‌نظران در داخل کشور به بررسی این مشکلات و یافتن راهکاری برای رفع این موانع پرداخته‌اند که در ادامه به‌طور مختصر این مسائل را که در واقع از نقاط ضعف صندوق‌های اعتبارات خرد به‌شمار می‌روند، مورد بررسی قرار خواهیم داد. لازم به ذکر است که برخی از مطالب مربوط به این قسمت از طریق مصاحبه با مسئولین صندوق‌ها، سیاست‌گذاران و کارشناسان دفتر امور زنان روستایی و عشایری در نشستی که در دی ماه ۱۳۹۰ برگزار گردید، به‌دست آمده است.

واکاوای نقاط ضعف صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی: با توجه به این‌که صندوق‌های اعتبارات خرد از نظر قانونی و حقوقی ثبت شده نیستند، لذا قادر به ارتباط با منابع مالی رسمی هم‌چون بانک‌ها نبوده و عملاً از طرح‌ها و پروژه‌های دولتی حمایت از زنان، محروم می‌مانند؛ به‌عبارت دیگر این صندوق‌ها قادر نیستند به‌عنوان واسطه‌های مالی عمل کنند. برخی کشورها در جهت رفع این مشکل راهکارهایی را ارائه نموده‌اند. به‌عنوان مثال در کشور هندوستان گروه‌های خودیار مالی با وجود آن‌که به‌صورت قانونی ثبت نشده‌اند، اما براساس بخشنامه بانک خزانة‌دارای هندوستان می‌توانند با بانک‌های تجاری پیوند برقرار نموده و به‌عنوان واسطه مالی، دسترسی اعضای خود به اعتبارات رسمی را فراهم نمایند. ثبت صندوق‌ها در قالب تعاونی و یا شرکت سهامی نیز راهکار مناسبی برای رفع این معزل در داخل کشور به‌شمار نمی‌رود، چرا که این امر منجر به تحمیل هزینه‌های گزاف، مواجهه با قوانین دست و پاگیر و در نهایت از هم پاشیدگی صندوق‌های اعتبارات خرد می‌شود. همچنین، بررسی عملکرد صندوق‌ها در نقاط مختلف کشور از وجود تفاوت فاحش در میان آن‌ها حکایت دارد (جوانمردی، ۱۳۸۹) و اگرچه این تفاوت‌ها تا حد زیادی به دلیل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف می‌باشد لیکن بررسی روند تشکیل صندوق‌ها بیانگر آن است که استانداردهای تعریف شده و مشخصی برای کارگزاران تشکیل این صندوق‌ها تدوین نشده و در نتیجه موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها تا حد زیادی وابسته به مسئولیت‌پذیری کارشناسان میدانی ترویج بوده است. یکی

دیگر از مسائل تأمل‌برانگیزی که لزوم بازنگری در ساختار کنونی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را نمایان می‌سازد، عدم توانایی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد در اداره وجوه خود می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد که این صندوق‌ها نه تنها در آینده با مشکل تأمین نقدینگی مواجه می‌شوند، بلکه همچنین فاقد مهارت‌های لازم برای اداره امور مالی به صورت موفقیت‌آمیز می‌باشند (مهاجرانی، ۲۰۰۳). علی‌رغم آن‌که نرخ بهره وام و نحوه پرداخت اقساط و سایر موارد مالی بایستی براساس اصول علمی، نرخ تورم، مسائل شرعی و از همه مهم‌تر خودکفایی عملیاتی و پایداری صندوق‌ها تعیین گردد، اما در عمل مشاهده می‌شود که بین صندوق‌های موجود در زمینه نرخ بهره وام‌ها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که این امر از عدم توجه علمی به این موضوع مهم حکایت دارد. در توضیح این نکته می‌توان گفت که نرخ بهره وام از طریق فرمول‌های خاصی محاسبه می‌شود، اما از آنجایی که بسیاری از مسئولین و اعضای صندوق‌ها با نحوه محاسبه آن آشنایی ندارند، لذا این میزان در بین صندوق‌های مختلف متفاوت است (جوانمردی، ۱۳۸۹). از آنجا که دقت و صحت در تنظیم دفاتر مالی صندوق‌ها از عوامل مهم موفقیت آن‌ها به‌شمار می‌رود، لذا کلیه اعضای صندوق بایستی به‌طور شفاف از تحولات مالی آن، میزان سرمایه، نرخ بهره، مبلغ وام‌ها و ... اطلاع داشته باشند. این درحالی است که آموزش‌های حسابداری منحصر برای یک یا دو نفر از اعضای صندوق برگزار شده و لذا سایر اعضا نیازی به نظارت صندوق‌ها نمی‌بینند. همچنین، به دلیل تعداد زیاد افراد در یک صندوق و تفاوت فاحش در توانمندی آن‌ها، امکان نخبه‌گرایی در صندوق‌ها زیاد است. اگرچه نظارت جمعی بر فعالیت‌های صندوق و فشار بر همقطاران برای بازپرداخت به موقع اقساط وام یکی از ابزارهای مهم موفقیت صندوق‌ها محسوب می‌شود، اما متأسفانه در بعضی از صندوق‌ها از این ابزار به‌خوبی استفاده نمی‌شود و مسئولیت پی‌گیری بازپرداخت اقساط وام به هیأت مدیره واگذار شده است (مصاحبه با مسئولین دفتر امور زنان روستایی، ۱۳۹۰). از مجموع آنچه تا کنون گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که گرچه صندوق‌های اعتبارات خرد در کشور ما از موفقیت چشمگیری برخوردارند، اما در آینده با افزایش حجم سرمایه این صندوق‌ها، به دلیل ابهاماتی که در نحوه مدیریت آن‌ها وجود دارد و در بالا نیز به آن اشاره شده، این صندوق‌ها با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که با استراتژی‌های مناسب، اقدام به رفع نقاط ضعف صندوق‌ها نمود و در نتیجه شرایط را برای تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت فراهم نمود که در ادامه علاوه بر جمع‌بندی مطالب گفته شده راهکارهایی به‌منظور غلبه بر مشکلات موجود ارائه می‌شود.

نتیجه گیری

چنانچه گفته شد صندوق‌های اعتبارات خرد به دلیل عدم ثبت قانونی با مشکلات عدیده‌ای از جمله عدم امکان ارتباط با نهادهای مالی رسمی و استفاده از مزایای آن‌ها روبرو هستند و از طرف دیگر ثبت قانونی هر صندوق به صورت جداگانه به دلیل بنیه ضعیف مالی و اعمال قوانین و مقررات دست و پاگیر، تضعیف و در نهایت از هم‌پاشیدگی آن‌ها را به دنبال خواهد داشت و این در حالی است که ادامه وضع موجود نیز به دلیل افزایش حجم سرمایه و ضرورت شفافیت در عملیات مالی و مدیریت، آن‌ها را با گرفتاری‌ها و درگیری‌های احتمالی اعضاء و از بین رفتن اعتماد و وفای در میان اعضا روبرو می‌نماید. بنابراین زمینه‌سازی، طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های مرتبط با ساختارسازی پایدار صندوق‌ها و تلاش در راستای تبدیل ساختار صندوق‌ها به خرده بانکداری با ایجاد شبکه‌هایی از مؤسسات مالی خرد زنان از اولویت‌های نخست و در جهت تقویت و پایداری صندوق‌ها به شمار می‌رود. در این راستا پیشنهاد طرح تجمیع صندوق‌های اعتبارات خرد و تشکیل صندوق زنان در سطح شهرستان در چارچوب قوانین و مقررات صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی ارائه می‌گردد. با توجه به قانون تشکیل صندوق‌های حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در کشاورزی و ایجاد صندوق‌های غیردولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و محصولی می‌توان صندوق غیردولتی زنان شهرستان را به صورت قانونی و با مشارکت اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان به وجود آورد. تشکیل چنین صندوقی می‌تواند ضمن فراهم کردن منابع مالی دولتی برای صندوق‌های اعتبارات خرد امکان دسترسی آن‌ها به منابع بانکی را نیز فراهم نماید. با تشکیل صندوق‌های شهرستان اهداف ذیل تحقق می‌یابد:

تشکیل یک صندوق غیردولتی از زنان روستایی به صورت قانونی و رسمی و تقویت سرمایه صندوق‌های خرد و در نتیجه دستیابی اعضای آن‌ها به منابع مالی بیشتر و گسترش فعالیت آنان در جهت ایجاد اشتغال پایدار؛

پشتیبانی از مشاغل خانگی از جهت اطلاع‌رسانی در حوزه بازاریابی به اعضای صندوق‌ها؛

تشکیل شبکه فعالیت‌های زنان روستایی از طریق تجمیع صندوق‌ها و جلوگیری از پراکندگی و

تفرق و همچنین فراهم نمودن زمینه تبادل تجربه و تعامل بین اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد؛

تأمین ۴۹ درصد منابع مالی سهم دولت در تشکیل سرمایه صندوق شهرستان؛

نظارت بر عملکرد و فعالیت صندوق‌های اعتبارات خرد توسط صندوق شهرستان و در نتیجه کاهش نقش کارکنان دولت (کارکنان ترویج) بر فعالیت صندوق‌ها و زمینه‌سازی برای تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی؛

توانائی تشکیل صندوق‌های خرد جدید در روستاهای مستعد و حائز شرایط شهرستان؛ فراهم کردن امکان آموزش اعضای صندوق‌های خرد به منظور افزایش آگاهی و مهارت آن‌ها در اجرای فعالیت‌های کسب و کار، انجام فعالیت‌های مالی نظیر طرح‌نویسی، ثبت دفاتر مالی، محاسبه نرخ بهره، نحوه پرداخت وام و غیره براساس اصول علمی و بانکی؛ ایجاد انگیزه در اعضای صندوق‌های خرد جهت افزایش مبلغ پس‌انداز و در نتیجه افزایش سرمایه صندوق خرد با فراهم کردن امکان تضمین صندوق‌های خرد نزد منابع رسمی مالی نظیر بانک‌ها، جهت استفاده از منابع بانکی.

منابع

1. Faghiri, M. 2011. Effectiveness containers micro credit in empowering rural women in Kermanshah Province. M.Sc. Thesis, Razi University, Department of Extension and Rural Development. (In Persian)
2. Javanmardi, M. 2010. Initiative Rural Women's Fund for development of the rural women activities: a pilot city Marvdasht. Publications Office of Rural Women. (In Persian)
3. Khodaverdi L.S., and Barimani, F. 2009. The Role of micro credit in empowering poor women and households. Proceedings of the second conference on women's empowerment and potential synergies households, municipalities (for women), Tehran. (In Persian)
4. Rezai, Z. 2006. Empowerment of women in the development process. A women's research and development: Cultural and Social Research, 42: 85-57. (In Persian)
5. Mafi, F. 2006. Micro credit (characteristics, experiences, concerns, strategies). Institute of Strategic Research, Department of Economic Research, Publications of Shadan cultural groups. (In Persian)
6. Majorano, F. 2007. An Evaluation of the Rural Microfinance Development Centre as a Wholesale Lending Institution in Nepal. Asian Development Bank, Nepal Resident Mission (NRM), Srikunj, Kamaladi, Ward No. 31.
7. Mohajerani, M. 2003. Survey of the status of microfinance in the Iran and some successful countries in this field. Institute of Food Helpers. (In Persian)



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1(3), 2015
<http://jead.gau.ac.ir>

Criticism on the Structural of Micro Credit Funds in Rural Women's Entrepreneurship

K. Zarafshani¹, F. Rostami², *M. Khoshmaram³ and N. Shiri³

¹Associate Prof., Dept. of Agricultural Extension and Rural Development, Agriculture and Natural Resource Campus, Razi University, ²Assistance Prof., Dept. of Agricultural Extension and Rural Development, Agriculture and Natural Resource Campus, Razi University, ³Ph.D. Candidate, Dept. of Agricultural Extension and Rural Development, Agriculture and Natural Resource Campus, Razi University

Received: 12/19/2014 ; Accepted: 02/27/2015

Abstract

An economic and social development opportunity for the empowerment of rural women's entrepreneurship is a priority of development programs. To achieve this aim, the Ministry of Agriculture Office of Rural Women has fund such projects as micro-credit schemes for rural women. This project, which began more than a decade in the country, despite the constraints has been remarkable success. Although funds made significant association among women, but because of the lack of legal registration can not make contact with the official sources of financing, such as bank, so those have been deprived the benefits and support of projects for women. However, according to past experience, the legal registration of the fund in the form of joint-stock companies or cooperatives because of weakness financial and Legal bureaucracy, Will lead to additional costs and away from the their targets, that self-reliance. So, a mechanism should be designed to solve the problem and provide the situation for enhance and sustainability of the funds. This mechanism should be provided retaining the main characteristics of funds such as informal and savings oriented participation in decision making and the ability to communicate with the formal financial resources. In this regard, the proposed is consolidated women funds and micro-credit in the city within the framework of the laws and regulations of the investment fund for agricultural development.

Keywords: Microfinance, Rural women, Entrepreneurship

*Corresponding author: mkhoshmaram3@gmail.com

